

بررسی انواع پیوندهای اینترنتی از منظر نظام حق مؤلف

ابراهیم رهبری* سعید نجات زادگان** حمید نجات زادگان***

چکیده

امروزه تصور طراحی یک وبگاه اینترنتی بدون استفاده از پیوندها دشوار است. پیوندهای اینترنتی در یکی از سه قالب پیوندهای فرامتنی، تصویری و پنجره‌ای، کاربران را به سرعت و سهولت در فضای وب به گردش در می‌آورند، امری که ممکن است حقوق انحصاری صاحبان آثار فکری را در مخاطره قرار دهد.

مهمترین نقطه تلاقی چالشهای پیوندهای اینترنتی با مالکیت‌های فکری، در چارچوب نظام کپی‌رایت و موارد احتمالی تعدی به حقوق دارنده‌ی آن متبلور می‌شود. این مقاله می‌کوشد در بستری فنی و حقوقی، اقسام لینک‌ها و کارکرد هریک را در فضای دیجیتال بررسی کرده و حقوق صاحبان وبگاه‌ها را در مواجهه با پیوندهای اینترنتی تبیین سازد. همچنین این پژوهش تلاش می‌کند تا در پرتو رویه‌ی قضایی و قواعد تثبیت شده حق مؤلف در کشورهای پیشرو و موازین مربوطه در حقوق ایران و به خصوص مقررات قانون تجارت

* استادیار گروه حقوق مالکیت فکری و فضای مجازی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده‌ی مسئول)

Rahbarionlaw@gmail.com

s.nejatzade@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

*** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات تهران

h.nejatzadegan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۰۸

الکترونیک، مواردی را که احتمال دارد پیونددهی به نقض کپی‌رایت منجر شود از موارد مشروع بازشناسی و تبیین نماید.

واژه‌های کلیدی: لینک، پیوند اینترنتی، حق مؤلف، کپی‌رایت، حقوق اینترنت، حقوق سایبری، نقض حق.

۱. مقدمه

امروزه شاهد رشد سریع و فزاینده‌ی وبگاه‌های اینترنتی هستیم. «وبگاه»^۱ به هر مکانی در اینترنت اطلاق می‌گردد که بتواند یک یا چند صفحه را در خود جای دهد. صفحات وبگاه‌ها محتوی متون و تصاویر یکپارچه‌ای هستند که توسط ناشر آن صفحه گزینش و در نهایت منتشر می‌شود و توسط مرورگرها یافت شده و مطالب آن‌ها در ابزار مختلف از جمله رایانه نشان داده می‌شود. (Meeker, 2015: 170)

امروزه نقش پیوندها در فضای دیجیتال به قدری مهم توصیف شده که از آن به عنوان مشخصه‌ی امضائی شبکه جهانی اینترنت یاد می‌شود. (Sableman, 1997: 224) این درجه از توسعه‌ی پیوندها مسائل مختلفی را در قلمرو مالکیت‌های فکری پدید آورده و باعث بروز نگرانی‌هایی از نقض حقوق اشخاص در فضای اینترنت شده است. اصولاً و از همان بدو شکل‌گیری، اینترنت بیشتر با مفهوم آزادی دسترسی شناخته شده است تا با خصوصیات دیگرش. رقابت در بهره‌برداری تجاری از وبگاه‌ها ضمن رعایت فرهنگ آزادی دسترسی، بیشتر حول محور تبلیغات در وبگاه‌ها شکل گرفته است تا اخذ مستقیم وجه از کاربر در ازای ارائه‌ی محتوا. در حال حاضر، بحث کسب درآمد باعث شده تا سیستم‌های پیشرفته‌ی تبلیغاتی ایجاد شوند که در آن‌ها پیوندهای اینترنتی به صورت تیتراها یا تصاویر جذاب، توجه مخاطب را جلب نموده و صاحبان وبگاه‌های دارای سیستم مزبور، از محل کلیک‌های کاربر بر روی پیوندهای اینترنتی صاحبان مشاغل، به کسب درآمد در ازای هر کلیک می‌پردازند. بر مبنای همین فرهنگ آزاد و البته رقابتی، کسب هرگونه مجوزی برای پیوند دادن به وبگاه‌های دیگران لازم به نظر نمی‌رسد، چرا که انتشار یک وبگاه در اینترنت به منزله‌ی در دسترس عموم قرار دادن آن است. (Evening)

(113: 2015) به تعبیر دیگر، وقتی یک شخص پایگاه داده‌ای را بنیان می‌گذارد که ورود و دسترسی به محتویات آن رایگان است، از نظر حقوقی نوعی لیسانس و مجوز ضمنی به دیگران داده است تا با آن پیوند برقرار کنند. (Gasaway, 2013: 164)

نقض حقوق اشخاص ممکن است در نتیجه‌ی مرتبط قلمداد شدن دو وبگاه به هم صورت پذیرد؛ مثلاً ممکن است صاحب وبگاه اصلی علاقه‌ای نداشته باشد که شهرت تجاری و اخلاقیش به وسیله‌ی پیوند و همسان‌پنداری با وبگاه دیگر از نظر مخاطبان به مخاطره بیفتد. (Lake and May, 2007: 256) از سوی دیگر ممکن است منفعت افراد از طریق حذف تبلیغات و نمایش وبگاه آن‌ها در «پیوندهای پنجره‌ای»^۲ یا با استفاده از «پیوندهای عمقی»^۳ در معرض آسیب قرار گیرد. تعداد زیادی از وبگاه‌های اینترنتی هزینه‌های هنگفت میزبانی وب، تأمین اطلاعات و مدیریت محتوای خود را صرفاً از محل تبلیغات مندرج در وبگاه تأمین می‌نمایند، در حالی که برخی پیوندها این امکان را به برنامه‌نویسان وبگاه‌ها می‌دهد تا صرفاً پنجره‌ای (که ابعاد و موقعیت آن به راحتی قابل تنظیم است) را به وبگاه دیگری باز نموده و محتوای وبگاه مزبور را به نحوی که تبلیغات جانبی آن قابل رؤیت نباشد به نمایش درآوردند. (Beal, 1998: 703) استفاده از پیوندهای عمقی نیز می‌تواند باعث ورود خسارت به وبگاه‌هایی شود که صرفاً تبلیغات خود را در صفحات اصلی وبگاه قرار داده‌اند و تمایل دارند تا کاربران پس از گذر از صفحات اصلی به صفحات زیرین وبگاه دست یابند، حال آنکه با استفاده از این دسته از پیوندها کاربر مستقیماً به صفحات عمقی وبگاه راه یافته و تبلیغات مندرج در صفحات اولیه را نمی‌بیند. (Maniōtēs, 2011: 54)

در هر حال شاید بتوان مهم‌ترین چالش‌های حقوقی استفاده از پیوندهای اینترنتی را در عرصه‌ی حقوق مالکیت فکری و در رابطه‌ی آن با نظام کپی‌رایت مشاهده کرد. مقاله حاضر می‌کوشد تا ابتدا تصویری مناسب و صحیح از کارکرد و اقسام پیوندهای اینترنتی ارائه کرده و سپس با شاخص قرار دادن حقوق ناشی از کپی‌رایت، به تحلیل تبعات حقوقی اقسام پیوندهای اینترنتی و موارد نقض حق مؤلف بپردازد.

۲. شناسایی انواع پیوندهای اینترنتی

به‌طور کلی پیوندهای اینترنتی به سه روش می‌توانند وبگاه‌ها را به همدیگر پیوند بزنند که البته هر روش با توجه به نیاز کاربر دارای کارکرد خاصی است.

۲.۱. پیوندهای فرامتنی^۴

پیوندهای فرامتنی مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیوندهایی هستند که پایه‌های وب را تشکیل می‌دهند و اگر به وبگاه‌های دیگر ارتباط برقرار سازند به آن‌ها «پیوندهای خارجی»^۵ نیز اطلاق می‌گردد. با کلیک بر روی چنین پیوندهایی، وبگاه جدیدی در رایانه‌ی کاربر به نمایش درآمده و وبگاه قبلی ناپدید خواهد شد. پیوندهای فرامتنی به شکل متون قالب بندی شده‌ی خاص و یا با یک تصویر که نشانگر موس با قرارگیری روی آن‌ها تغییر شکل می‌دهد، طراحی می‌شوند. زمانی که یک کاربر بر روی تصویر یا متن کلیک می‌نماید، وبگاه آدرس‌دهی شده از سرورهای مربوطه بازیابی شده و صفحه‌ی جدید جایگزین می‌گردد. (Stim, 2013: 237; Beal, 1998: 710)

پیوندهای فرامتنی ممکن است کاربر را به یکی از چهار مکان متفاوت زیر منتقل نمایند: (۱) مکان دیگری در همان صفحه‌ی وبگاه، (۲) صفحه‌ی دیگری در همان وبگاه، (۳) صفحه‌ی اصلی یک وبگاه دیگر (پیوندهای سطحی)^۶، (۴) صفحه‌ی زیرین یک وبگاه دیگر (پیوندهای عمقی)^۷ (Bond, 1998: 193)

۲.۲. پیوندهای تصویری (پیوندهای درون‌خطی)^۸

به این نوع لینک‌ها پیوندهای داغ، مستقیم یا از راه دور هم گفته می‌شود. در این شیوه از لینک‌دهی مرورگر اینترنت از هر یک از مکان‌های چهارگانه‌ی فوق‌الذکر تصویری را بازیابی نموده و در یک صفحه به نمایش در می‌آورد. (Y. Singh, 2010: 106; Madoff 1997) به این ترتیب، شخص اول اقدام به انتشار تصویری در محیط اینترنت می‌نماید، سپس شخص دوم آدرس آن تصویر را دریافت و آن را در لابه‌لای محتویات صفحه‌ی وبگاه خود جایگذاری می‌نماید. (Raysman & Brown, 1997: 3) به عنوان

مثال خبرگزاری ایسنا تصویری جدید از رئیس‌جمهور را منتشر می‌نماید و اندکی پس از آن یک خبرگزاری دیگر، تصویر مربوطه را صرفاً با جانمایی آن درون متن خبری خود به نمایش در می‌آورد. در این فرض، خبرگزاری دوم از آدرس تصویر مزبور که در سرور خبرگزاری اول وجود دارد استفاده نموده و به هیچ‌وجه اقدام به تکثیر یا انتقال محتوای مزبور به سرور وبگاه خود ننموده است. به طور کلی این دسته از پیوندها به کاربر اجازه می‌دهند تا تصاویر موجود در وبگاه‌های اولیه را به صورت کامل در وبگاه شخص دیگری (بدون آنکه نشانی از وبگاه دیگر وجود داشته باشد)، مشاهده نمایند.

۲.۳. پیوندهای پنجره‌ای یا قاب‌های پیوندی^۹

این نوع از پیوندهای اینترنتی پنجره‌ای از وبگاه اصلی رو به دنیای وبگاه‌های ثانویه باز نموده و محتویات وبگاه‌های دیگر را در همان صفحه‌ی مورد مشاهده‌ی کاربر نمایش می‌دهند. (Ibid.: 2) برای مثال، ممکن است شخصی که قصد ارائه‌ی آخرین اخبار چندین وبگاه خبری را دارد، اقدام به طراحی یک صفحه‌ی وب نماید که در منوی سمت راست صفحه، اسامی وبگاه‌های مربوطه گنجانده شده باشد و در سمت چپ صفحه، پنجره‌ای متغیر نمایش داده شود که کاربر بتواند با هر کلیک بر روی اسامی وبگاه‌ها در سمت راست، محتوای صفحه‌ی اصلی وبگاه‌های مزبور را در پنجره‌ی متغیر سمت چپ مشاهده نماید. نکته‌ی حائز اهمیت در قاب‌های پیوندی این است که اصولاً URL وبگاه قاب شده برای کاربر قابل نمایش نیست و کاربر پنجره‌ی مزبور را به مثابه‌ی بخشی از وبگاه فعلی تلقی می‌نماید.

۳. تحلیل اعتبار حقوقی پیوندها و موارد نقض حقوق مؤلف

گاه پیوندهای اینترنتی باعث نقض حقوق انحصاری مؤلفان شده و به آن‌ها خسارات سنگینی بار می‌کند. با توجه به ماهیت و عملکرد کاملاً متفاوت هر یک از اقسام پیوندها، ذیلاً هر کدام از این سه شیوه و احتمال نقض حقوق مؤلفان به وسیله‌ی آن‌ها را در قالب بخش‌های جداگانه بررسی خواهیم کرد.

۳.۱. پیوند پنجره‌ای یا قاب‌های پیوندی

قاب‌های پیوندی در صورتی که بخش خاصی از صفحه‌ی دیگر همان وبگاه یا همان صفحه از وبگاه را نمایش دهند قطعاً مشتمل بر نقض شناخته نخواهند شد، اما در صورتی که پنجره‌های مزبور به وبگاه‌های دیگر که ماحصل تلاش فکری سایرین است باز شوند، ممکن است ناقض حقوق انحصاری مؤلف باشند. اولین و مهمترین پرونده در خصوص قاب‌های پیوندی مرتبط به خبرگزاری واشنگتن پست علیه شرکت توتال نیوز^{۱۱} بود که در محاکم ایالات متحده مطرح گردید. در این قضیه توتال نیوز یک وبگاه ساده متشکل از سه بخش طراحی نموده بود: بخش اول که «قاب هدایتگر» نام داشت از یک قاب باریک عمودی متشکل بود که در سرتاسر صفحه کشیده شده و در ابتدا پیوند هفت خبرگزاری معروف (به انضمام نام و علامت تجاری آن‌ها) را در برداشت و در ادامه صدها پیوند از وبگاه‌های مختلف خبری در یازده گروه مختلف را در خود جای داده بود. بخش دوم که «قاب تبلیغات» نام می‌گرفت در سرتاسر عرض پایین صفحه کشیده شده و در بردارنده‌ی تبلیغات سرمایه‌گذاران وبگاه و نام و علامت تجاری توتال نیوز بود. بخش سوم که مابقی صفحه را در بر می‌گرفت (قاب محتوا)، در قالب یک پنجره‌ی بسیار بزرگ، محتویات وبگاه‌های مورد درخواست کاربر را به نمایش در می‌آورد. توتال نیوز با طراحی زیرکانه‌ی خود از سویی به کاربران خود این امکان را می‌داد تا بتوانند تمامی خبرهای مورد درخواست خود را بدون نیاز به تغییر صفحه یا نشانه‌گذاری کردن^{۱۱} صفحات بازدید نموده و به سرعت طیف وسیعی از اخبار را مرور نمایند و از سویی دیگر با توجه به حجم زیاد بازدیدهای وبگاه، قابلیت دسترسی و مشاهده‌ی بسیار بالای تبلیغات، منفعت زیادی از جانب اسپانسرهای خود دریافت می‌نمود. (Fischer et al, 2015: 4-5; Wassom, 1998: 198) در اولین پرونده علیه این شرکت، گروهی از شرکت‌های خبرگزاری که وبگاه آن‌ها توسط توتال نیوز قاب شده بود، در سال ۱۹۹۷ اقدام به طرح دعوی نمودند. خواهان‌ها شرکت توتال نیوز را متهم نمودند که اقدام به «سرقت آثار تحت حمایت کپی‌رایت» و «انتشار مجدد» آن‌ها بدون هر گونه تولید محتوای فکری و در راستای کسب منفعت شخصی نموده است. آن‌ها مدعی شدند که: (۱) با توجه به قاب

شدن صفحات، وبگاه آن‌ها با تغییر اندازه به کاربر نمایش داده می‌شود که این مسئله مطلوب شرکت‌های مزبور نیست؛ (۲) خواننده از علامت تجاری خواهان‌ها بدون اجازه استفاده نموده است؛ (۳) نام تجاری خواهان‌ها توسط خواننده و برای مدت طولانی و نامتعارف استفاده شده و بدین طریق نام، علامت و آدرس وبگاه خواننده اعتبار بیشتری را کسب نموده است؛ (۴) خواننده با قاب کردن صفحات وبگاه خواهان‌ها موجب عدم نمایش تبلیغات مندرج در وبگاه آن‌ها شده که این امر باعث کاهش اقبال سرمایه‌گذاران و کاهش ارزش تجاری تبلیغات آن‌ها گردیده است؛ (۵) عدم قابلیت نمایش URL اختصاصی هر وبگاه باعث می‌شود از سویی کاربران نتوانند آدرس اصل وبگاه‌های خواهان‌ها را نشانه گذاری نمایند و از سویی دیگر کاربر در خصوص ارتباط وبگاه توتال نیوز با وبگاه‌های خبرگزاری موصوف سردرگم شده و آن‌ها را به هم مرتبط بداند. (Wassom, 1998: 199) پرونده‌ی مزبور نهایتاً طی توافقی بین شرکت توتال نیوز با هفت شرکت خواهان، حل و فصل گردید و توتال نیوز متعهد شد که پیوندهای شرکت‌های مزبور را به صورت عادی، در صفحات جداگانه‌ی مرورگر باز نماید. و بدین ترتیب این مصالحه سبب شد تا نوع رویکرد رویه‌ی قضایی در برابر واقعیت‌های این پرونده آشکار نگردد. (Ibid.)

فراوبگاه‌هایی چون توتال نیوز با ارائه‌ی محتویات انتشار یافته در وبگاه‌های دیگر ممکن است بتوانند به راحتی و از محل فروش مستقیم حق اشتراک‌های دوره‌ای و یا اخذ وجه از اسپانسرهای تبلیغاتی منافع زیادی کسب نمایند. به طور کلی اقدامات این دسته از وبگاه‌ها ممکن است متضمن نقض هر یک از حقوق مادی انحصاری صاحبان حقوق مزبور باشد، لذا هر کدام ذیلاً به تفکیک بررسی می‌گردد.

۳.۱.۱. حق تکثیر^{۱۲}: وفق بند ۱ ماده‌ی ۱۰۶ قانون کپی‌رایت آمریکا، یکی از حقوق مادی انحصاری صاحب اثر فکری، حق تکثیر اثر مورد حمایت کپی‌رایت است؛ یعنی: «حق انحصاری تکثیر اثر مورد حمایت حقوق مؤلف در قالب نُسخ مختلف». در تعریف مزبور اگر چه مفهوم تکثیر واضح است اما اصطلاح «نُسخ»، مفهوم روشن و مشخصی ندارد. در قانون کپی‌رایت مزبور، تعریف ارائه شده از «نُسخ» بسیار شبیه به تعریف عبارت «تثبیت

شده» است که بیان می‌دارد «یک اثر زمانی به عنوان یک اثر تثبیت شده در رسانه‌ی عینی و فیزیکی محسوب می‌شود که به طور کافی و چشمگیری دائمی یا ثابت برای ادراک، تکثیر و یا تعامل» به طور مستقیم یا از طریق یک ماشین باشد. (Ibid. : 200) در اتحادیه‌ی اروپا، ذیل ماده‌ی ۲ از فصل دوم دستورالعمل، از حق تکثیر با هر ابزار و به هر شکلی اعم از مستقیم یا غیرمستقیم، موقت یا دائم و جزئی یا کلی حمایت شده و مقرره‌ی مزبور آن را حق انحصاری صاحب اثر دانسته است. همان‌گونه که ملاحظه گردید، حق تکثیر در ماده‌ی ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ نیز در مورد آثار منتشره در فضای دیجیتال به رسمیت شناخته شده لیکن متأسفانه تعریفی از تکثیر یا تثبیت در فضای مبادلات الکترونیک به میان نیامده است. به هر حال، بند «پ» ماده‌ی ۲ معاهده‌ی وایپو راجع به حقوق مجاور، تثبیت را چنین تعریف کرده است: «داخل کردن صدا یا نمادهای آن در قالبی که دریافت، تکثیر و انتقال آن را به کمک یک ابزار ممکن کند». (زرکلام، ۱۳۸۸: ۳۳۵) در حقیقت باید در محیط دیجیتال نقش ابزارهای واسط برای پیاده‌سازی مطالب و تکثیر آن‌ها را لحاظ کرد (Stamatoudi, 2010: 127) که ممکن است به آن‌ها عینیت فیزیکی ببخشد؛ مثلاً از طریق یک لوح فشرده یا چاپ کردن عکسی که از فضای دیجیتال دریافت شده است. (Weston, 2015: 8) همان‌گونه که از این تعریف بر می‌آید، آنچه در این میان حائز اهمیت است موضوع تثبیت نیست، بلکه قابلیت دریافت، تکثیر و انتقال آن است.

در پرونده‌ی «توتال نیوز»، اگر خواهان‌های پرونده توانایی این را داشتند که وفق تعاریف بالا اثبات نمایند که شرکت مزبور به تکثیر محتوای وبگاه آن‌ها در قالب یک رسانه‌ی عینی اقدام نموده است، می‌توانستند ارتکاب وی به نقض حق تکثیر اثر را اثبات نمایند. شاید برای بررسی دقیق‌تر احتمال نقض بهتر باشد فرایندی که هنگام فراخوانی و مشاهده وبگاه توتال نیوز اتفاق می‌افتاد را مرور کرد: کاربر به محض فراخوانی وبگاه www.Totalnews.com، به مرورگر دستور ارسال درخواست به سرورهای این وبگاه برای دریافت فایل صفحه‌ی اصلی را می‌داد. این درخواست در کسری از ثانیه پردازش شده و صفحه‌ای متضمن سه قاب دریافت می‌گردید که مرورگر را مجبور به تقسیم صفحه به سه بخش موصوف می‌نمود. با توجه به کارکرد ویژه‌ی وبگاه، کاربر علی‌القاعده

بر روی هر یک از پیوندهای بخش هدایتگر کلیک می‌نمود و با این کار، به مرورگر خود دستور ارسال درخواست به سرور وبگاه خبرگزاری مدنظر (و نه سرور وبگاه توتال نیوز) برای محتویات وبگاه خبرگزاری کلیک شده را می‌داد. پس از پردازش درخواست مزبور، مرورگر یک کپی از صفحه‌ی وبگاه خبرگزاری را در سیستم کاربر ذخیره نموده و آن را در قاب در نظر گرفته شده در وبگاه توتال نیوز به نمایش در می‌آورد. (Wassom, 1998: 201)

موضوع حائز اهمیت در اینجا این مسئله است که اگر چه در راستای نمایش این صفحه، یک کپی از صفحه‌ی اول وبگاه خبرگزاری در سیستم کاربر ایجاد شده است اما با توجه به ساختار ویژه و عملکرد خاص مرورگرهای اینترنت، دسترسی به وبگاه‌های اینترنتی لاجرم مستلزم تهیه‌ی چنین رونوشتی از این اطلاعات است که البته مصداقی از نقض محسوب نخواهد شد. در حقیقت، با اطلاع از این امر که مشاهده‌ی یک فایل در اینترنت بدون تهیه‌ی یک کپی موقتی از آن غیرممکن است، هیچ‌کسی نمی‌تواند قائل به تحقق عمل نقض در فرایند مزبور باشد و قطعاً هر صاحب نظری بر این امر صحه خواهد گذاشت که عملکرد «توتال نیوز» متضمن نقض نخواهد بود. در این زمینه، نظام حقوقی آمریکا در ماده‌ی ۱۱۷ عنوان هفدهم مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا در بحث استثنائات حقوق انحصاری برنامه‌های رایانه‌ای و نیز در ماده‌ی ۱۰۷ همان قانون در باب استثناء «استفاده منصفانه»^{۱۳} تکثیر موقت را استثناء حق تکثیر دانسته است. همچنین در اتحادیه اروپا، اطلاق عبارت ماده‌ی ۲ دستورالعمل، این حق را شامل نسخه‌برداری موقت غیر محسوس اثر در حافظه‌ی کاربردی رایانه می‌نماید، اما بند ۱ ماده‌ی ۵ دستورالعمل، تکثیر موقت را مستثنی نموده مشروط بر اینکه اولاً تکثیر مزبور گذرا یا اتفاقی بوده و بخش اساسی و جدایی ناپذیر فرایند پردازش اطلاعات باشد، ثانیاً هدف اصلی و منحصر آن انتقال اطلاعات در یک شبکه میان طرف‌های ثالث با یک واسطه و یا استفاده‌ی قانونی از یک اثر فاقد اهمیت اقتصادی مستقل باشد. (صادقی، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۴) در حقوق ایران نیز، قانون تجارت الکترونیکی در ماده‌ی ۶۳، تکثیر، اجرا و توزیع موقت اثر را که جزء لاینفک فراگرد پردازش «داده پیام» است از شمول حقوق انحصاری پدیدآورندگان و صاحبان حقوق مجاور مستثنی نموده و انجام آن را معادل نقض حق انحصاری ندانسته است.

۳.۱.۲. حق تهیه‌ی آثار اقتباسی^۴: یکی از حقوق صاحب اثر فکری در نظام حق مؤلف برخی کشورها حق تهیه‌ی آثار اقتباسی است که دامنه‌ی وسیع‌تری نسبت به حق تکثیر دارد؛ چرا که در تهیه‌ی اثر اقتباسی نیازی به تثبیت وجود ندارد. یک اثر اقتباسی، اثر مبتنی یا حاوی یک اثر تحت حمایت از پیش موجود است؛ برای مثال، ترجمه‌ی یک کتاب یا تهیه‌ی نمایش‌نامه از آن. (Schwabach, 2014: 72) در واقع، اثر اقتباسی موضوع اصلی را در شکلی جدید از نو قالب‌ریزی، دگرگون یا سازگار نموده و به صورت یک اثر اصیل مالکانه عینیت می‌بخشد. به بیانی دیگر، اثر اقتباسی اثری است که در صورت تثبیت در قالب یک رسانه‌ی عینی و فیزیکی، فارغ از اینکه اثر اولیه دارا یا فاقد حق کپی‌رایت بوده است، مورد حمایت نظام حق مؤلف قرار خواهد گرفت. (Wassom, 1998: 202) با توجه به اینکه در دستورالعمل اروپایی همچون معاهده‌ی واپیو، حق تهیه‌ی اثر اقتباسی برای صاحبان آثار فکری شناسایی نشده است، چنین حقی در اتحادیه‌ی اروپا برای مالکان وبگاه‌های اینترنتی متصور نیست.

بند ۶ ماده‌ی ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ پدیدآورنده را مجاز نموده تا حق استفاده از اثرش را در کارهای علمی، ادبی، صنعتی، هنری و تبلیغاتی به دیگری واگذار کند. نظیر چنین اجازه‌ای در بند ۷ همان ماده برای اقتباس از اثر در فراهم کردن آثار دیگر به پدیدآورنده اعطاء شده است. ماده‌ی ۷ قانون مورد اشاره نیز تأکید کرده است که نقل قول یا اقتباس از اثر پدیدآورنده برای مقاصد ادبی، علمی، فنی، آموزشی و تربیتی بایستی در حد متعارف باشد. (زرکلام، ۱۳۸۸: ۱۷۳) در بررسی این امر که آیا ساخت صفحه‌ی متشکل از سه قاب و نمایش محتوای سایر وبگاه‌ها در آن قاب‌ها اقدام به تولید اثر اقتباسی است یا نه، برخی بر این اعتقادند که پیوند پنجره‌ای به وبگاه دیگران ساخت نوعی اثر اقتباسی بوده و نقض حقوق دارنده محسوب می‌شود. (Gerber & Institute, 1998: 230) در مقابل پاره‌ای دیگر صرف ترسیم قاب‌های پیوندی را ایجاد اثر اقتباسی به شمار نمی‌آورند. (Norwitz et al, 2001: 197) اما در تحلیل دقیق‌تر بایستی به این نکته توجه داشت که پاسخ صحیح به این پرسش از رهگذر تعریف «اثر تحت حمایت» هویدا می‌شود. در واقع، اینکه ما چگونه به

تعریف یک اثر تحت حمایت پردازیم و اینکه باید محتوا یک اثر و یا جلوه‌ی بصری آن را تحت حمایت بدانیم، تعیین‌کننده خواهد بود. به عنوان مثال، دو رایانه را با نام‌های الف و ب در نظر بگیریم که مانیتور رایانه‌ی الف صرفاً به نمایش صفحه‌ی اصلی وبگاه خبرگزاری «سی‌ان‌ان» می‌پردازد، حال آنکه مانیتور رایانه‌ی ب در حال نمایش وبگاه توتال نیوز است که وبگاه «سی‌ان‌ان» صرفاً در بخش میانی صفحه (قاب محتوا) نمایش داده شده و جزئی از نمایشگر رایانه را اشغال کرده است. در صورتی که دیدگاه ما این باشد که جلوه‌ی بصری یک اثر نیز تحت حمایت قرار دارد، بایستی قائل به وقوع نقض در فرایند نمایش وبگاه «توتال نیوز» بوده و معتقد به آن باشیم که شرکت مزبور تصویری تغییر یافته از وبگاه «سی‌ان‌ان» را به نمایش درآورده است. در حالی که اگر در تعریف ما اثر مورد حمایت کپی‌رایت، تأکید بر محتوا باشد، پر واضح است که محتوا تغییری نداشته و نقضی رخ نداده است. (Millstein et al, 2014: 3-117, 3-118; Wassom, 1998: 202)

در پاسخ به این پرسش که با توجه به نمایش محتویات وبگاه‌های خبری تحت URL وبگاه لینک دهنده آیا می‌توان گفت که «توتال نیوز» اقدام به کپی و درج متون از وبگاه‌های دیگر و اندراج آن در وبگاه خود نموده و با ترکیب این محتویات، اقدام به ساخت اثری اقتباسی نموده است یا خیر، بایستی به این نکته اشاره نمود که در این فرایند به هیچ‌وجه متون از وبگاه‌های خبری کپی‌برداری نشده و مالکیت محتویات وبگاه‌های دیگر به شرکت توتال نیوز منتسب نشده است؛ بلکه طراح صفحه‌ی اول وبگاه مزبور صرفاً با استفاده از دستورات زبان برنامه‌نویسی به مرورگرها فرمان داده است که در صورت کلیک کاربر بر روی نام خبرگزاری خاص، محتویات صفحه‌ی وبگاه را در ابعادی کوچک‌تر و در داخل قاب پیوندی به کاربر نمایش بدهد. نکته‌ی قابل توجه در شیوه‌ی کارکرد قاب‌های پیوندی این است که با توجه به ماهیت این شیوه از پیوندها، امکان نمایش آدرس وبگاه‌ها در قاب‌های مزبور وجود نداشته و اصولاً اقتضاء استفاده از این پیوندها، عدم نمایش URL آنهاست.

پرسش حائز اهمیت دیگر در این بحث این است که آیا می‌توان چیدمان قاب‌های چنین فراوبگاه‌هایی را واجد وصف اصالت دانسته و برای وبگاه لینک دهنده حقوق

انحصاری در نظر گرفت یا خیر؟ بایستی توجه داشت که قالب‌ریزی کردن دوباره، مفهومی فراتر از یک چیدمانِ صرفِ ساده‌ی عناصر یک وبگاه را در بر می‌گیرد. (Wassom, 203: 1998) در مفهوم لغوی، لفظ مزبور به معنی تعویض یا ساخت مجدد است که خود تغییر دادن، به سازگار نمودن و دگرگون کردن تعبیر شده است. برای روشن‌تر شدن موضوع شاید بهتر باشد مثالی در این زمینه ارائه گردد: فرضی را در نظر بگیرید که شخصی یک تابلوی نقاشی اصیل را خریداری نموده و سپس مقداری رنگ (به سبک هنر اختلاط رنگ‌ها یا کولاژ) بر روی آن پاشیده و اثر مزبور را قاب کرده و بر دیوار منزل خود نصب می‌نماید. بدیهی است چنین اقدامی را نمی‌توان تولید اثر اقتباسی دانسته و به تحقق حق مؤلف برای شخص مزبور قائل شد. همچنین می‌توان عمل لینک دهنده را شبیه به عملکرد وسیله‌ی «شهر فرنگ» دوره‌گردهای قدیمی ایرانی دانست که اثرهای اصیل عکاسی دیگران را در قالب خاصی نمایش می‌دادند. به نظر می‌رسد با قیاسی از فروض فوق می‌توان اظهار نمود همان‌طور که آثار فوق را به واسطه‌ی تغییر جزئی نمی‌توان اثری اقتباسی و درخور حمایت مستقل نظام حق مؤلف دانست، وبگاه لینک دهنده هم نمی‌تواند به خاطر شیوه‌ی به نمایش گذاشتن وبگاه‌های متعلق به دیگران، ادعای تولید اثر اصیل نماید.

با توجه به اینکه نمی‌توان ادعای تغییر فرم و ساختار اثر را در مورد چنین فراوبگاه‌هایی مطرح نمود، تنها راه باقیمانده برای اثبات دگرگونی، ممکن است طرح این ادعا باشد که قاب‌های پیوندی در وبگاه موصوف به صورت غیرمجاز اقدام به تغییر جلوه‌های بصری صفحات هدف خبرگزاری‌ها نموده‌اند. در بررسی این ادعا، عنایت به برخی پرونده‌های مشابه راهگشا است: دادگاه تجدیدنظر آمریکا در پرونده‌ی شرکت تولیدی «می‌دوی» علیه شرکت بین‌المللی «آرتیک»^{۱۵} در خصوص دستگاه رایانه‌ای که قابلیت تغییر سرعت یک بازی رایانه‌ای را داشت، اظهار نمود که این دستگاه یک اثر اقتباسی ناقص محسوب می‌شود؛ چرا که این دستگاه مشتمل بر صفحه مدارهایی است که برنامه‌های بازی اولیه را کپی نموده و با یک سری عملکردهای خلاقانه توانسته است خاصیت شتاب دهنده‌ی برای بازی‌های مزبور را ایجاد کند.^{۱۶} در پرونده‌ی دیگری^{۱۷} که در خصوص دستگاهی بود که به تغییر متغیرهای بازی‌های شرکت «نیتندو» می‌پرداخت،

دادگاه تجدیدنظر اظهار داشت با توجه به اینکه این دستگاه، فی مابین کارتریج (نوار) بازی و دستگاه واقع شده و با ایجاد توقف لحظه‌ای، برخی از خطوط برنامه‌نویسی که از کارتریج می‌آید را به صورت تغییر یافته به دستگاه ارائه می‌نماید، اثری اقتباسی محسوب نشده و ناقض حقوق خواهان نیست. دادگاه مزبور در بیان وجه تمایز این پرونده با پرونده‌ی شرکت تولیدی «می‌دوی» اظهار داشت که دستگاه موضوع پرونده قادر به کپی محتوای برنامه‌ی اصلی نیست در حالی که در آن پرونده دستگاه شتاب‌دهنده اقدام به کپی محتوای اصلی و تغییر آن می‌کرده است. این دادگاه همچنین اظهار نمود که آثاری که عملکردشان صرفاً ارتقاء بخشیدن به اثر اصلی است (نظیر نرم‌افزارهای بررسی‌کننده‌ی گرامر برای نرم‌افزارهای پردازشگر کلمات)، نبایستی آثار اقتباسی تلقی گردند. چنین دستگاه‌هایی صرفاً اثر اصلی را موضوع قابلیت‌های خود قرار می‌دهند و به هیچ‌وجه جایگزین آن نشده و یا محصول آن‌ها تلقی نمی‌گردند. (Ibid. : 204) همان‌طور که مشاهده می‌گردد ملاک‌های ارائه شده در این پرونده‌ها به وضوح قابل انطباق با عملکرد و بگانه پیوند دهنده پنجره‌ای است؛ زیرا شرکت موصوف نیز صرفاً اثر اصلی را موضوع عملکرد خود قرار داده و به هیچ‌وجه آن را تغییر نداده است. در حقیقت، همانند پرونده‌ی مربوط به کارتریج‌های نینتندو، و بگاهی نظیر «توتال نیوز» نیز بدون وجود و بگانه‌های خبرگزاری قابلیت عملکردی نداشته و بی‌مصرف خواهد بود و محتویات آن بدون وجود و بگانه‌های خبرگزاری به قاب‌های خالی بدل خواهد شد که هیچ کارکرد و استفاده‌ای نخواهد داشت.

۳.۱.۳. حق توزیع: حق توزیع به دارنده‌ی این حق انحصاری اجازه می‌دهد تا برای نخستین بار به کنترل چگونگی «توزیع نسخه‌های اثرش به عموم در قالب فروش، اجاره، عاریه و یا سایر روش‌های انتقال اقدام نماید»؛ به عبارت دیگر، توزیع یا پخش هر عملی است که به موجب آن یک اثر با اهداف اقتصادی وارد بازار می‌شود، اعم از اینکه مستقیماً توسط خود پدیدآورنده یا به واسطه‌ی اشخاص ثالث و در نتیجه‌ی قراردادهای فروش، توزیع و نظایر آن صورت گیرد. (زرکلام ۱۳۸۸: ۳۳۹، ۱۲-۲۹؛ Weakley, 2015: 12-29) قانون گذار با تصریح به وجود حق توزیع در ماده‌ی ۶۲ قانون تجارت الکترونیک در محیط دیجیتال، رویکردی مشابه با قانون ۱۳۴۸ و ۱۳۷۹ اتخاذ نموده و از این حق آشکارا

حمایت به عمل آورده است.

همان‌گونه که سابقاً نیز بحث شد، قاب‌های پیوندی به جز نسخه‌ای که برای نمایش یک وبگاه توسط مرورگر به صورت اجتناب‌ناپذیر اخذ می‌گردد، هیچ کپی دیگری تهیه نمی‌نمایند. با توجه به مبانی شناسایی حق مؤلف در بستر اینترنت، نسخه‌ای که از یک اثر در سرور مالک ذخیره می‌گردد به عنوان نسخه‌ی اصلی شناخته می‌شود و نسخه‌ی کپی برداری شده در فرایند نمایش یک وبگاه توسط مرورگر، نسخه‌ی کپی محسوب می‌شود که البته با توجه به مطالب پیش گفته متضمن فعل نقض محسوب نمی‌گردد. در حقیقت، با مرور یک وبگاه، چه در زمان وارد نمودن مستقیم URL یک صفحه‌ی وب در نوار آدرس مرورگر و دسترسی مستقیم به محتوای یک وبگاه و چه در زمان استفاده از پیوندهای اینترنتی برای انتقال به یک صفحه‌ی دیگر، در هر دو حالت مرورگر کاربر از سرور مالک درخواست ارسال فایل را می‌نماید که سرور مربوطه به صورت خودکار در پاسخ به آن، یک نسخه از سند درخواستی را به رایانه‌ی کاربر ارسال، مخابره یا همان توزیع نموده و مرورگر کاربر جهت نمایش، صفحه‌ی مربوطه را در بخش فایل‌های موقتی سیستم ذخیره می‌کند. این تنها نسخه‌ای است که کپی و عرضه شده و بنا بر مطالب پیش گفته برای فرایند نمایش یک وبگاه اجتناب‌ناپذیر بوده و لذا عمل نقض محسوب نمی‌گردد. (Wassom, 1998: 207)

۳.۱.۴. حق نمایش یا اجرای عمومی اثر: از جمله حقوقی که دارنده کپی‌رایت از آن برخوردار است حق انحصاری بر نمایش یا اجرای اثر به صورت عمومی است. وفق ماده‌ی ۱۰۱ مجموعه قوانین آمریکا «اجرا یا نمایش عمومی یک اثر عبارت است از: (۱) اجرا یا نمایش آن در مکانی باز برای عموم...، یا (۲) ارسال یا مخابره یک اجرا یا نمایش یک اثر... برای عموم با استفاده از هر دستگاه یا فرایندی، خواه اینکه تک‌تک افراد آن جمعیت که می‌توانند آن اجرا یا نمایش را دریافت نمایند به دریافت آن در یک مکان یا مکان‌های متفاوت پردازند و خواه اینکه در یک زمان یا زمان‌های متفاوتی آن را دریافت نمایند». به این ترتیب اجرای یک قطعه موسیقی یا اجرای یک نمایشنامه برای عموم و یا نمایش فیلم در شبکه‌های تلویزیونی یا عرضه لوح فشرده‌ی موسیقی به بازار در انحصار

دارنده است. (DAS, 2015: 16) در فرایند اجرا یا نمایش عمومی یک اثر الزامی وجود ندارد که از آن اثر نسخه برداری شود؛ چرا که در بسیاری از موارد شخص مرتکب عمل نقض صرفاً به نمایش اثر اصلی بدون اذن صاحب آن می‌پردازد. (Jackson, 1996: 751) ماده‌ی ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی سال ۱۳۸۲، اجرا را به عنوان یک حق مستقل و عرضه را در قامت یکی از مصادیق «حق توزیع» ذکر کرده است.

با توجه به تعاریف فوق و نیز نگاهی گذرا به رویه‌ی قضائی مستحکم نظام حقوق مؤلف آمریکا در پرونده‌هایی با همین موضوع^{۱۸}، زمانی که یک فراوبگاه همچون «توتال نیوز» با ایجاد یک قاب پیوندی وبگاه خود را به وبگاه شخص دیگر متصل می‌نماید، در حقیقت مرتکب نقض حق نمایش مالک اثر شده است. در واقع، با توجه به این نکته که تعریف «نمایش» در نظام کپی‌رایت مشتمل بر نمایش دادن یک کپی از اثر از طریق هر فرایندی است، «توتال نیوز» به نقض حق نمایش وبگاه‌های خبری با نمایش دادن مطالب آن‌ها در وبگاه خود و از طریق فرایند قاب کردن صفحات آن‌ها پرداخته است. همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد، در نقض حق نمایش دیگری نیازی به تکثیر اثر شخص دیگر وجود ندارد، همان‌طور که «توتال نیوز» نیز صرفاً با نمایش مطالب خبری اصلی و باز کردن قاب پیوندی به وبگاه شخص دیگر، اقدام به نقض آن نموده است. (Roarty, 1999: 1024) در مقابل، به طور کلی رویه مراجع قضایی اتحادیه اروپا آن است که صرف پیوند از طریق قاب‌های پیوندی به اطلاعات تحت حمایت کپی‌رایت که به طور آزادانه و رایگان در اینترنت به اشتراک گذاشته شده را نقض نمی‌انگارد؛ زیرا چنین عملی در واقع اشاره به مرجعی دارد که از طریق آن قبلاً اطلاعات در دسترس عموم قرار گرفته است و برقراری پیوند، نوعی در دسترس عموم قرار دادن جدید محسوب نمی‌شود. (Kerikmäe, 2014: 111-112)

۳.۲. پیوندهای فرامتنی

در میان انواع پیوندهای مورد اشاره، آنچه حجم زیادی از مجادلات حقوقی را به خود اختصاص داده و عمیقاً محل بحث صاحب‌نظران قرار گرفته است، پیوندهای فرامتنی هستند که به صفحات درونی یک وبگاه متصل شده و کاربر را بدون گذر از مجراهای

مدنظر طراح وبگاه، به صفحات زیرین وبگاه ارجاع می‌دهند. در همین راستا، یکی از مهمترین پرونده‌های راهبردی در بحث ابعاد حقوقی پیوندهای عمقی، دعوی شرکت «تیکت‌مستر» بر علیه «شرکت مایکروسافت» در سال ۲۰۰۰ است.^{۱۹} در این پرونده شرکت مایکروسافت اقدام به راه اندازی وبگاه‌هایی موسوم به وبگاه‌های خیابانی برای هر شهر نموده بود که با استفاده از آن‌ها، کاربران قادر بودند همواره از آخرین رویدادها، وقایع ادبی، هنری، ورزشی و غیره اطلاع حاصل نموده و عندالاقضاء با استفاده از پیوند عمیقی که مایکروسافت به صفحات زیرین وبگاه تیکت‌مستر داده بود به تهیه‌ی بلیت آن‌ها بپردازند. اگر چه وبگاه‌های خیابانی به هیچ‌وجه صفحات وبگاه تیکت‌مستر را تغییر نمی‌دادند و شرکت مزبور کما فی السابق، ولو بیش از پیش، از فروش بلیت‌ها منتفع می‌گردید، اما این شرکت با طرح این ادعا که با این شیوه از پیونددهی، کاربران از مشاهده‌ی تبلیغات صفحه‌ی اصلی وبگاه گذر می‌نمایند و ارزش تبلیغاتی مکان‌های جانمایی شده برای هدف مزبور در صفحه‌ی اول وبگاه کاهش می‌یابد، اقدام به طرح دعوی علیه مایکروسافت نمود. از جمله نکات قابل ملاحظه در این پرونده می‌توان به این مسئله اشاره نمود که ممکن است شخصی ادعا نماید که کل یک وبگاه به صورت اثری یکپارچه تحت حمایت بوده و از این رو مایکروسافت به نقض حقوق تیکت‌مستر پرداخته است. از سویی دیگر ممکن است این مسئله مطرح گردد که کپی‌رایت صرفاً به حمایت از شیوه‌ی بیان پرداخته و هیچ‌گونه حمایتی را از فرایندها به عمل نخواهد آورد؛ لذا فرم‌های سفارش بلیت که مایکروسافت به آن‌ها پیوند می‌دهد، واجد هیچ‌گونه حق کپی‌رایتی نیستند. (Wassom, 1998: 214; Ross, 2000: 6-14) مشکلی که برای شرکت تیکت‌مستر ایجاد شد ممکن است در دنیای اینترنت برای حجم وسیعی از صاحبان آثار ایجاد شود و از این رو ارائه‌ی پاسخی صحیح به این مسئله در میزان حمایت اعطائی به تولیدکنندگان آثار فکری بسیار تأثیرگذار بوده و حتی تأثیر محسوسی در سطح بروز خلاقیت‌های فکری خواهد داشت. به عنوان مثال، با توجه به محدودیت فضای صفحات اصلی وبگاه‌های اینترنتی و حجم وسیع مطالب، تقریباً همه‌ی وبگاه‌های مهم خبری یا علمی که سهم بسزایی در تولید مطالب در فضای اینترنت دارند، صرفاً عنوان و نهایتاً چکیده‌ای چند خطی از مطالب را در صفحه‌ی اصلی قرار داده و ادامه‌ی مطالب را در

صفحات زیرین وبگاه جایگذاری می‌نمایند. قطعاً صاحبان این مطالب از نظام کپی‌رایت انتظار دارند تا با توجه به این مسئله حمایت‌های مناسبی از صفحات زیرین وبگاه‌ها همچون صفحات اصلی به عمل آورد.

در همان سال، شرکت تیکت‌مستر دعوی دیگری علیه وبگاه «تیکت‌سات‌کام» طرح نموده و شرکت مزبور را برای درج پیوندهای عمقی به وبگاهش مورد تعقیب قرار داد^{۲۰}. خواهان ادعا نمود که منافعی را به خاطر اینکه بازدیدکننده‌هایش از صفحات اولیه وبگاه (که حاوی تبلیغات هستند) عبور کرده و مستقیماً به صفحات مقصد منتقل می‌گردند، از دست داده است. دادگاه بدوی ایالات متحده، به عنوان بخشی از رأی خود این‌گونه ابراز نظر نمود: «فراپیوندها به خودی خود متضمن نقض قانون کپی‌رایت نیستند ... چراکه هیچ‌گونه عمل نسخه‌برداری محقق نشده است. مشتری به صورت خودکار به صفحه‌ی اصلی صاحب اثر منتقل می‌گردد و هیچ‌گونه فریبی در این فرایند وجود ندارد. این امر شبیه به استفاده از کارت‌های نمایه‌سازی موجود در کتابخانه‌ها برای دریافت ارجاع به یک موضوع خاص است؛ اگرچه پیوندهای عمقی سریع‌تر و کارآمدتر هستند.» (Kienle et al, 2008: 10-11 آخرین و جدیدترین پرونده‌ی مرتبط با این مبحث، پرونده‌ی معروف «سِنوسان» است که در سال ۲۰۱۲ مطرح گردید. این پرونده در خصوص مجادله‌ی بین چند روزنامه‌نگار (که مقالات آن‌ها هم به صورت چاپی در روزنامه و هم در قالب الکترونیکی منتشر می‌گردید) و یک شرکت که به اعضا امکان استفاده از یک موتور جستجوی لینک‌های خبری که بر اساس درخواست کاربر، به وی لینک‌های مختلف خبری از خبرگزاری‌های مختلف را ارائه می‌داد، شکل گرفت. خواهان‌های این پرونده مدعی نقض حق انحصاری خود مبنی بر در دسترس عموم قرار دادن بودند و خواننده ادعا نمود که تأمین پیوندها برای مشتریان شرکت، نه حق مخابره به عموم که از جمله حقوق خواهان‌ها است و نه هیچ‌شکل دیگری از در دسترس عموم قرار دادن، هیچ‌کدام را نقض نمی‌نماید؛ چراکه کلیک بر روی لینک باعث باز شدن صفحه‌ی جدیدی می‌شود که محتوای مورد نظر را در بردارد (در حقیقت، با کلیک بر روی لینک، صفحه‌ی مقصد از وبگاه خبرگزاری مالک خبر باز می‌شود) و به هیچ‌وجه کپی‌های غیرمجاز در وبگاه وی ذخیره نمی‌گردد. دادگاه صالح در این پرونده نهایتاً ابراز داشت که مالک وبگاه می‌تواند

بدون اذن صاحب حق کپی‌رایت، کاربران اینترنتی را با استفاده از فرآیندها به آثار تحت حمایتی که بر اساس پایه‌های آزادانه در وبگاه‌های دیگر قابل دسترس هستند، منتقل نمایند. (Arezzo, 2014: 529) پس از اعتراض خواهان در سال ۲۰۱۴، دیوان دادگستری اروپا نیز رأی صادره را تأیید و اظهار داشته که چنین پیوندهایی که کاربر را به کارهای تحت حمایت کپی‌رایتی که قبلاً به صورت رایگان و آزادانه به صورت برخط در دسترس بوده‌اند، هدایت می‌کند، تعدی به حقوق ناشی از کپی‌رایت محسوب نمی‌شود.^{۲۱} متعاقب این رأی وبگاه‌هایی که از طریق چنین پیوندهایی به محتوایی که قبلاً برخط قرار گرفته‌اند، ارجاع می‌دهند، از سایه‌ی واهمه‌ی تجاوز به کپی‌رایت رها می‌شوند. بر اساس این تصمیم، اگر پیوند به وبگاه‌هایی برقرار شود که به کاربران اجازه نقض ساده و راحت عناصر کپی‌رایتی را می‌دهد (نظیر موسیقی و کتاب) وبگاه پیوند دهنده به دلیل مشارکت در نقض و تسهیل آن، مسئولیت خواهد داشت. همچنین اگر وبگاهی به صورت رایگان اطلاعات را در راستای اهدافی نظیر آزادی بیان در اختیار عموم گذاشته (نظیر مطالب روزنامه‌ها) و در عین حال استفاده تجاری را منع کرده باشد، در صورت برقراری پیوند توسط وبگاه‌هایی که بهره‌برداری تجاری از چنین داده‌هایی می‌کنند، ظاهراً باید وقوع نقض را تأیید کرد. (Smith et al, 2015; html) به تعبیر روشن‌تر اگر وبگاهی برای اهداف تجاری صرف پایه‌گذاری شود، اخذ اجازه‌ی قبلی برای لینک دادن انتظار معقولی محسوب می‌شود؛ به خصوص اگر برقراری ارتباط مقرون به استفاده از علامت وبگاه مزبور باشد. (Gasaway, 2013: 164) افزون بر این معیار، قراردادن لیسانس ضمنی برای توجیه مشروعیت لینک لوازمی دارد؛ از جمله اینکه اگر مجوز گیرنده از قلمرو متعارف این مجوز فراتر رود، به احتمال زیاد کپی‌رایت را نقض می‌کند. از سوی دیگر این حق را به دارنده اطلاعات می‌دهد که به صورت صریح لینک دادن را ممنوع نموده یا صرفاً به برخی وبگاه‌های خاص یا برای اهداف ویژه‌ای مجوز قبلی برای پیونددهی اعطا نمایند. (Smith & Boardman, 2007: 60)

برخی در چارچوب نظام کپی‌رایت اتحادیه‌ی اروپا نیز تلاش کرده‌اند چنین پیوندهایی را نوعی تجاوز به حقوق ناشی از پایگاه داده‌ها بدانند یا نوعی عمل رقابتی غیرمنصفانه قلمداد کنند که البته با اقبال چندانی مواجه نشده‌اند. (Rowland &

Macdonald, 2005: 517)

۳.۲.۱. **حق تکثیر و حق توزیع:** همان‌گونه که در بخش مربوطه از مبحث قاب‌های پیوندی نیز بیان گردید، دسترسی به یک صفحه از طریق پیوندهای عمقی الزاماً تأثیری بر حق تکثیر یا توزیع نداشته و در این دو حیطه، عملی فراتر از آنچه برای مرور ساده‌ی یک وب‌گاه نیاز است، تحقق نمی‌یابد. در حقیقت، فرایندی که طی آن یک نسخه از فایل در نتیجه‌ی عملکرد مرورگر وب تکثیر و عرضه می‌شود، صرفاً بین سیستم کاربر و سرور مالک رخ می‌دهد و وب‌گاه در بردارنده‌ی پیوند عمقی به عنوان یک واسط عمل نموده و عملکرد مستقیم ندارد. اگر چه ممکن است دارنده‌ی حق کپی‌رایت به روشی که نسخه‌ی کپی شده توسط مرورگر، مورد استفاده واقع شده یا طریقی که در آن صفحه‌ی مزبور به نمایش در می‌آید، اعتراض نماید لیکن محل طرح این اعتراض مبحث حق نمایش بوده و ارتباطی به حق تکثیر یا توزیع نخواهد داشت. (Wassom, 1998: 216; Bidgoli, 2004: 306) هرچند هنگامی که شبکه‌ی اینترنت در ابتدای راه خود بود، محاکم آمریکا درک درستی از پیوند عمقی نداشتند و آن را نوعی تکثیر قلمداد می‌کردند ولی با حصول آگاهی بیشتر در این زمینه دریافتند که پیوند عمقی صرفاً نوعی اشاره و ارجاع به وب‌گاه‌ها است. (Gasaway, 2013: 165) در آمریکا بسیاری از متخصصان کپی‌رایت معتقدند که پیوند عمقی از مصادیق نقض کپی‌رایت نیست؛ زیرا مالک نمی‌تواند در خصوص نحوه‌ی دسترسی دیگران به پایگاه داده تعیین تکلیف کند. شایان ذکر است که عمل جمع‌آوری مجموعه‌ای از پیوندهای فرامتنی، خود عملی است که مورد حمایت کپی‌رایت قرار گرفته و تکثیر آن‌ها گاه به نقض کپی‌رایت منجر می‌شود. (Millstein et al, 2014: 3-117, 3-118)

۳.۲.۲. **حق تهیه‌ی آثار اقتباسی:** برای ایجاد یک اثر اقتباسی، پیوند عمقی بایستی منجر به ایجاد چیزی گردد که به صورت مستقل و جدای از اثر اصلی مورد حمایت نظام حقوق مؤلف قرار می‌گیرد. اصولاً آن چیزی که با استفاده از پیوند عمقی به نمایش در می‌آید، صرفاً اثر اصیلی است که چیزی به آن اضافه یا کاسته نشده و یا در ارتباط و ترکیب با اثر اصلی به نمایش در نیامده است. لذا نمی‌توان گفت که یک پیوند عمقی منجر به تولید اثری اقتباسی شده است. (Wassom, 1998: 216) حتی اگر یک مقاله‌ی حجیم یا

گزارشی چند صفحه‌ای به جای اینکه هر صفحه‌ی آن به صورت مجزا موضوع حمایت حقوق مؤلف قرار گیرد، به عنوان یک اثر واحد تحت حمایت تلقی گردد، سخت می‌توان نتیجه‌گیری نمود که پیوند عمقی به یک صفحه‌ی جزء بتواند اثری اقتباسی تلقی گردد.

۳.۲.۳. نمایش و اجرای عمومی اثر: اگر اثر موضوع حمایت را یک صفحه‌ی وب در نظر بگیریم که به آن پیوند داده شده است، دارنده‌ی حق مؤلف به راحتی نخواهد توانست به حالت یا روشی که صفحه برای عموم به نمایش در آمده است، معترض شود. در فرض استفاده از پیوندهای عمقی، کاربر صفحه را دقیقاً همان‌طوری دریافت می‌نماید که اگر آن صفحه از طریق فهرست مطالب همان وبگاه باز می‌شد، مشاهده می‌نمود. در این فرض پرواضح است که صفحه‌ی مقصد به هیچ‌وجه تحریف نشده و بدون تغییر و به شکل اولیه به کاربر نشان داده می‌شود. (Ibid. : 216) توجه به مثال ذیل می‌تواند به درک بهتر مطلب مساعدت کند:

در فرض مطالعه‌ی یک کتاب یا نوشته، به قطع می‌توان گفت خواندن فصل انتهایی کتاب در ابتدا، ولو اینکه این امر خلاف نظر صاحب اثر باشد، نمی‌تواند مبین وقوع عمل نقض باشد. به همین طریق، اگر شخصی صفحات مختلف یک وبگاه را چاپ نموده و بدون ترتیب ارائه شده در وبگاه، به مطالعه‌ی آن پردازد نمی‌توان وی را متهم به نقض نمود. از مثال فوق می‌توان نتیجه گرفت در فرضی که شخصی اقدام به پیوند دادن پراکنده به صفحات زیرین وبگاه شخص دیگری نموده باشد که مطالب را خلاف ترتیب مورد نظر صاحب اثر به رؤیت کاربران برساند، نمی‌توان نامبرده را متهم به نقض نمود. سازنده‌ی پیوندهای عمقی کاربر را از تماشای محتویات اضافی داخل مجموعه‌ی تحت حمایت کپی‌رایت منع نمی‌کند؛ چرا که آن‌ها در قالب فایل‌های جدا از هم هستند که هر کدام به صورت مستقل تحت حمایت حقوق کپی‌رایت هستند. (Ibid. : 217-218) پیوندهای عمقی، اصولاً کاربران را به جزءهای یک اثر بزرگ‌تر رهنمون می‌شوند و غالباً در صفحات زیرین و جزئی، پیوندهایی به صفحات اصلی وجود دارد و نمی‌توان اظهار داشت که پیوندهای عمقی مانعی برای دسترسی به صفحات اصلی یک وبگاه تلقی می‌شوند. شاید بتوان شیوه‌ی کارکرد پیوندهای عمقی را مشابه ارجاع دادن در مقالات علمی از نوشته‌ی

خود به صفحه‌ای از اثر مؤلف دیگر تلقی نمود. همچنین می‌توان استفاده از پیوندهای عمقی را به کتابنامه‌های موجود در کتابخانه‌ها تشبیه کرد که در رابطه با کلیدواژه‌ای خاص، صفحات کتب مختلف را معرفی می‌نمایند.

معمولاً پیوند عمقی به وبگاه‌های غیرتجاری با چالشی مواجه نیست ولی ارجاع به وبگاه‌های تجاری به خصوص از سوی رقبایی که ممکن است مقاصد خاصی را در سر پیروانند، حساسیت‌ها و چالش‌های بیشتری پیش می‌آورد و برخی پیشنهاد داده‌اند که بهتر است مالکان این وبگاه‌ها به توافقاتی در این خصوص برسند تا مسئله روشن شود ولی مسلماً چنین توافقی کاربران را متعهد نمی‌کند. (Singh, 2004: 57-10) پاره‌ای دیگر از صاحب‌نظران به منظور جلوگیری از نقض احتمالی پیشنهاد داده‌اند که صرفاً به صفحه خانگی و اصلی وبگاه دیگر ارجاع داده شود و در صورت دریافت اخطار مبنی بر توقف پیوند، این عمل متوقف شود. (Trout & Torke, 2007: 64)

اما علی‌رغم رهیافت‌هایی که به دیده‌ی تردید به این دست پیوندها می‌نگرد، شاید بتوان اظهار داشت نه تنها پیوندهای عمقی اصولاً ناقض حق نمایش و اجرای عمومی اثر نیستند، بلکه به طور کلی، پیوندهای عمقی خطر اندکی برای نقض آثار واجد حق کپی‌رایت دارند و امروزه اینترنت و وب بدون وجود آن‌ها غیرقابل تحمل و حتی تصور است. با توجه به مطالب پیش گفته، قطعاً هرگونه مقرره‌ای که بخواهد دارندگان وبگاه‌ها را به سمت کسب مجوز از دیگران جهت پیونددهی عمقی به وبگاه آن‌ها سوق دهد، محکوم به شکست خواهد بود.

۳.۳. پیوندهای تصویری یا درون‌خطی

پیوندهای تصویری یا درون‌خطی به لحاظ فنی به مراتب پیچیده‌تر از پیوندهای عمقی هستند. در راستای درک ظرایف و نکات مزبور، تأمل در ابعاد پرونده‌ی هک نمودن دیلبرت راهگشا خواهد بود: شرکت «یونایتدمدیا» تصاویر کارتونی مشهور خود به نام «دیلبرت» را به صورت روزانه از طریق وبگاه خود در اختیار عموم قرار می‌داد. این مسئله باعث شد تا هکرها بتوانند با استفاده از پیوندهای درون‌خطی تصاویر مزبور را در وبگاه خود قرار دهند. با توجه به ماهیت و شیوه‌ی نمایش این پیوندها، شرکت مزبور که منافع

خود را در خطر می‌دید با استفاده از یک نرم‌افزار، اقدام به تغییر روزانه‌ی نام، ابعاد و مقیاس تصاویر گرافیکی نمود تا پیوندهای درون‌خطی دیگران از کار بیافتد. پیرو این اقدام، هکری به نام «دن والاچ» نرم‌افزاری را طراحی نمود که قادر بود به صورت روزانه، کل وبگاه شرکت «یونایتد مدیا» را دریافت نموده و با شناسایی تصاویر پیوند داده شده، پیوندهای درون‌متنی مندرج در وبگاه خود که به تصاویر وبگاه شرکت مزبور متصل بود را روزانه تصحیح نماید. در نهایت، شرکت «یونایتد مدیا» اظهارنامه‌ای با موضوع درخواست توقف نقض حق و خودداری از انجام مجدد آن برای هکر مزبور ارسال نمود که منجر به توقف نقض حقوق وی شد. (Wassom, 1998: 219)

۳.۳.۱. حق تکثیر و توزیع: اصولاً در فرایند نمایش یک پیوند درون‌خطی، وبگاهی که پیوند مزبور را در صفحه‌ی خود درج می‌نماید صرفاً با استفاده از کدی به مرورگر کاربر دستور می‌دهد تا تصویر را از روی سرور وبگاه دیگری به نمایش درآورد. در حقیقت، طی این فرایند صرفاً بخشی از اثر دیگری در صفحه‌ی وب شخص درج‌کننده‌ی پیوند درون‌خطی به نمایش در می‌آید و با توجه به بایسته‌های فنی مربوطه، به هیچ‌وجه نسخه‌برداری اضافه از اثر (تصویر) اصیل دیگری صورت نمی‌گیرد. در فرایند پیونددهی درون‌خطی، تنها نسخه‌برداری که از اثر دیگری صورت می‌گیرد، همان کپی موقتی است که برای نمایش هر وبگاهی ضروری بوده و از جمله استثنائات نقض حق تکثیر اثر موضوع حق مؤلف است. در قضیه‌ی مشابه «پرفکت‌تن» علیه «گوگل»^{۲۲} در سال ۲۰۰۶، گوگل در سرویس عکس خود تصاویر نمونه و کوچکی را نشان می‌داد که قبلاً در سرور خود به طور موقت ذخیره کرده بود در حالی که دسترسی به عکس‌های مربوط می‌بایست با اخذ ليسانس یا ثبت نام در وبگاه پرفکت تن و پرداخت هزینه انجام می‌گرفت. خواهان مدعی بود که اگرچه گوگل تصاویر را در اندازه‌ی واقعی خود ذخیره نکرده، اما با برقراری پیوند درون‌خطی، عملاً حقوق آن را نادیده گرفته است. دادگاه بدوی همسو با این استدلال، رأی به نقض کپی‌رایت داد. (Spink & Zimmer, 2008: 111) اما دادگاه تجدیدنظر تصمیم دادگاه بدوی را با تکیه بر دفاع استفاده‌ی منصفانه رد کرد و دیوان عالی آمریکا نیز در سال ۲۰۱۲ هم‌نظر با دادگاه تجدیدنظر، درخواست خواهان را در اعلام

نقض کپی‌رایت از طریق پیوند درون‌خطی رد نموده و به این ترتیب، تکثیر عکس از طریق لینک درون‌خطی را نقض مستقیم از سوی گوگل قلمداد ننمود. (Lipton, 2015: 26-27)

در هر حال، صاحب اثر ممکن است به این مسئله متعرض گردد که چگونه و بر پایه‌ی چه اصولی می‌توان به یک شخص مجوز نمایش اثر دیگری در وبگاه خود را داد. اگر چه این اعتراض درست به نظر می‌رسد لیکن موضع بحث در مورد آن، حق نمایش عمومی اثر است که در ادامه خواهد آمد.

۳.۳.۲. حق تهیه‌ی آثار اقتباسی، حق نمایش عمومی اثر و حقوق معنوی: حقوق مؤلف بیش از آنکه با سایر روش‌های پیونددهی به مخاطره بیفتند، از طریق پیوندهای درون‌خطی در معرض تهدید قرار می‌گیرد. همان‌گونه که در بحث پنجره‌های پیوندی نیز طرح بحث شد، اصولاً اندراج تصویر یا سایر مطالب وبگاه دیگر در وبگاه شخصی یک فرد با استفاده از تکنیک پیونددهی درون‌خطی، نمی‌تواند فایل گرافیکی مورد حمایت را تغییر داده یا اصلاح و تبدیل نماید.

البته گاهی ممکن است شیوه‌ی نمایش یک اثر در قالب یک پیوند درون‌خطی به شکلی باشد که حق نمایش عمومی اثر را تحت تأثیر قرار داده و یا منجر به تولید اثری اقتباسی گردد. به‌عنوان مثال فرضی را تصور کنید که شخصی لوگو مندرج در وبگاه «پپسی» را به‌صورت درون‌خطی در وبگاه خود و ذیل این مطلب که محصولات شرکت «کوکاکولا» دارای کیفیت بیشتری از محصولات شرکت ما است، پیوند دهد. بر این اساس، فضا و شیوه‌ی فیزیکی نمایش تصاویری که به‌صورت درون‌خطی شده پیوند خورده‌اند موجب می‌شود تا محتوای ارائه شده توسط وبگاه استفاده‌کننده از این پیوند به شکلی متفاوت در نظر بیننده شکل گیرد. از همین رو، با توجه به تعاریف ارائه شده از اثر اقتباسی، می‌توان چنین برداشت نمود که اثر مزبور مجدداً قالب‌ریزی شده و به شکلی دیگر به کاربران عرضه شده است؛ شکل جدیدی که خود باعث تولید اثری اصیل می‌گردد. با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت شخص استفاده‌کننده از پیوند درون‌خطی، حق تهیه‌ی اثر اقتباسی صاحب اثر را با قالب‌ریزی کردن مجدد اثر او، به نحوی که معنای دیگری را در ذهن متبادر می‌سازد، نقض کرده است. همچنین به نظر

می‌رسد با توجه به این تعریف که «حق نمایش عمومی اثر زمانی مورد نقض قرار می‌گیرد که تصویر در بدنه‌ای متفاوت از آنچه توسط مالک آن قصد شده است، به نمایش درآید» (Ezor, 2015; html) بتوان چنین اقداماتی را در تضاد با حق مزبور تلقی نمود. (Wassom, 1998: 221) در حقیقت، با استفاده از پیوند درون‌خطی، محتویات مورد حمایت از بدنه‌ی اصلی خود خارج شده و بدون رعایت این نکته که بایستی هر دو مفهوم شبیه به هم باشند، در جای دیگری قرار گرفته‌است.

از سویی دیگر پیوندهای درون‌خطی ممکن است در نتیجه‌ی تحریف، به نقض حقوق معنوی اثر پردازند. زمانی که شخصی تصاویر مندرج در وبگاه دیگری را بدون اخذ مجوز در وبگاه خود اضافه می‌کند، در حقیقت درک عمومی جامعه از فضای ذهنی نویسنده را تغییر داده و به تحریف اثر پرداخته‌است. (Wassom, 1998: 222) اگرچه در پیوند درون‌خطی تکثیر نهایی توسط کاربر انجام می‌گیرد ولی پیوند مزبور در تعارض با حقوق صاحب اثر در عرضه‌ی عمومی آن قرار می‌گیرد. (SOPLE, 2012: 150) درست است که صاحب اثر با انتشار اثر در فضای وب به صورت ضمنی مجوز نمایش آن توسط دیگران را اعطاء نموده‌است، ولی باید توجه داشت که صاحب اثر صرفاً با انتشار اطلاعات در کنار هم، اجازه‌ی باز نشر آن را به صورت مجموعه‌ای واحد داده‌است و همان‌گونه که نقل قول جزئی مطالب نویسنده‌ی یک کتاب به نحوی که منظور وی را به شکل نادرست به خوانندگان القاء کند ممکن است تحریف اثر تلقی گردد، پیونددهی درون‌خطی یک اثر در فضایی متفاوت از آنچه مطمح نظر صاحب آن بوده‌است و به شکلی که مفهوم دیگری را القاء نماید، ناقض حقوق معنوی آن تلقی می‌شود. در حقیقت، در پیوندهای درون‌خطی مالک یک وبگاه می‌تواند مدعی نقض حق ارتباط با عموم یا حق معنوی خود شود؛ چراکه کاملاً محتمل است که کاربران در خصوص مالکیت یا منشأ این تصاویر دچار سردرگمی شوند. (Walden & Hörnle, 2001: 17) به بیان روشن‌تر، اگر غالب بازدیدکنندگان از یک وبگاه که حاوی لینک داخلی است، این تصور را پیدا کنند که وبگاه لینک داده شده بخشی از وبگاه پیونددهنده‌است، این اقدام بر خلاف قواعد رقابتی منصفانه قلمداد می‌شود. به همین ترتیب اگر از طریق پیوند داخلی تصویری را از وبگاه دیگری استفاده کند در حالی که این تصویر نیز به منظور نشان دادن محتویات وبگاه

خودش باشد نه وبگاه رقیبی که با آن پیوند برقرار کرده است، این اقدام می‌تواند نقض کپی‌رایت و عمل رقابتی غیرمنصفانه خوانده شود. (Permohammed, 2012: 48)

۴. نتیجه‌گیری

با توسعه‌ی چشمگیر دسترسی به اینترنت، پیوندهای اینترنتی و ارجاع به سایر وبگاه‌ها، به امری متداول و فراگیر مبدل شده‌اند تا جایی که تقریباً امکان تصور یک وبگاه فاقد آن‌ها بسیار دشوار می‌نماید. اگرچه از دیدگاه حقوقی راه‌اندازی یک وبگاه را می‌توان به طور ضمنی مقرون به اعطای مجوز به دیگران برای برقراری ارتباط نیز تعبیر نمود ولی این امر همواره برای دارندگان وبگاه مطلوب و مجاز نیست. اهمیت این مسئله هنگامی مضاعف می‌شود که بدانیم اصولاً مالکان وبگاه‌ها هیچ‌گونه کنترلی بر روی پیوندهایی که به آن‌ها داده می‌شود ندارند.

اگرچه ایجاد پیوند بین وبگاه‌ها اصولاً نمی‌تواند ناقض حقوق دیگران باشد اما گاهی پیوندهای باعث می‌شود تا صاحبان اندیشه‌های خلاقانه متضرر شده و بالعکس، پیوند دهندگان منافع نامشروع بسیاری را کسب نمایند. به ویژه نگرانی اصلی در موقعیتی بروز می‌یابد که مالکان و ناشران وبگاه‌ها این‌گونه تلقی نمایند که داده‌های تحت حمایت حقوق کپی‌رایت آن‌ها به شکل مناسبی در فضای اینترنت و در مقابل استفاده‌ی عادلانه مورد حمایت قرار نمی‌گیرد و در نتیجه، میل آن‌ها به انتشار اطلاعات در فضای دیجیتال کاهش یافته و به مرور زمان، محیط اینترنت به عنوان گستره‌ای ناامن برای عرضه‌ی اطلاعات مورد حمایت شناخته شود.

تبیین و تمایز موارد مشروع پیوندهای از نمونه‌های غیرمتعارف که با اغماض از بایسته‌های فضای دیجیتال و حقوق تثبیت شده دارندگان کپی‌رایت صورت می‌گیرد، هم به توسعه و تعمیق کاربرد پیوندهای اینترنتی مجاز و نقش مهمی که آن‌ها در گردش اطلاعات دارند، مساعدت می‌کند و هم به مالکان وبگاه‌ها و اطلاعات مشمول کپی‌رایت کمک می‌کند تا با شناسایی بهتر حقوق خود و موارد نقض آن‌ها، اقدامات لازم را در مواجهه با پیوندهای غیرمجاز ترتیب دهند. به این ترتیب است که چنین شکل نوینی از

تعاملات زیر سایه موازین کپی‌رایت در مسیر درستی هدایت خواهد شد. از مطالب مطروح در حقوق سایر نظام‌ها، می‌توان در تشریح دقیق مسائل مشترک پیوندهای اینترنتی و کپی‌رایت در حقوق ایران سود جست و با زدودن ابهامات و تفسیر اصولی و صحیح موارد اجمالی، تطبیق موازین عمومی را بر چالش‌های این حوزه خاص تسهیل کرد.

در بحث نقض حق تکثیر و توزیع، با توجه به اینکه نمایش وبگاه دیگری در قالب پیوندهای پنجره‌ای و یا پیوندهای تصویری، مستلزم تهیه کپی‌های موقتی از صفحه‌ی وبگاه مقصد در رایانه‌ی کاربر است و تهیه‌ی این نسخ موقتی رکن اجتناب‌ناپذیر عملکرد مرورگرهای اینترنتی است، نمی‌توان این عمل را نقض حق تکثیر دانسته و عرضه‌ی آن به کاربر را نقض حق توزیع تلقی نمود. در بحث نقض حق تهیه‌ی اثر اقتباسی نیز، تغییر شیوه‌ی نمایش وبگاه دیگری در قالب یک پنجره و یا ارجاع به صفحات داخلی وبگاه دیگری، منجر به شکل‌گیری اثر اقتباسی نخواهد شد؛ لیکن در مورد پیوندهای تصویری، تولید اثر اقتباسی جدید با توجه به شیوه‌ی نمایش پیوندهای مزبور، امری محتمل است. در مورد حق نمایش یا اجرای عمومی اثر، دیدگاه نظام حقوقی کشورهای مختلف در مورد پیوندهای پنجره‌ای و پیوندهای عمقی با هم متفاوت بوده و برخی قائل به نقض چنین حقی در فرایند قاب کردن صفحات وبگاه دیگران و یا ارجاع به صفحات داخلی وبگاه‌های سایرین هستند و برخی دیگر، آن را در دسترس قرار دادن جدید دانسته و مصداق نقض تلقی نمی‌نمایند. در بحث پیوندهای تصویری، از آنجا که احتمال دارد محتویات تحت حمایت، از بدنه‌ی خود در وبگاه اصلی جدا شده و به نحوی در بین محتویات وبگاه دیگر قرار گیرد که مفهومی متفاوت را در ذهن بیننده متبادر سازد، فرض ایجاد اثر اقتباسی و نیز نقض حقوق معنوی صاحب اثر متصور خواهد بود.

به طور کلی این تحقیق نشان می‌دهد که تا چه میزان در بررسی‌های حقوقی در فضای دیجیتال باید موارد فنی را در مجاورت قواعد حقوقی به صورت توأمان مطرح نظر قرار داد؛ در غیر این صورت احتمال دارد در فهم و تحلیل مسائل به بیراهه برویم. امری که ممکن است از یک‌سو اصل گردش آزاد اطلاعات که شبکه‌ی جهانی اینترنت مبتنی بر آن است را دست‌خوش مخاطرات جدی قرار دهد و از سوی دیگر با سهل

گیری غیرضروری و ترویج هر نوع پیونددهی، حقوق دارندگان کپی‌رایت را در فضای دیجیتال که اتفاقاً بستر تعدی به این دست حقوق هم در آنجا مهیاتر است، به ورطه‌ی نابودی بکشاند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Website
۲. Framed Links
۳. Deep Links
۴. Hyperlinks
۵. Out-links
۶. Surface Link
۷. Deep links
۸. IMG Links or In-line Links
۹. Framed Links
۱۰. Washington Post Co. v. Total News
۱۱. Bookmark
۱۲. Reproduction Right
۱۳. Fair Use.
۱۴. Derivative Works
۱۵. Midway Manufacturing v. Artic International
۱۶. Case available at:
http://itlaw.wikia.com/wiki/Midway_Manufacturing_v._Artic_International (Last visited on: 2015/05/19)
۱۷. Lewis Galoob Toys, Inc. v. Nintendo of America, Inc.
۱۸. For more information see: 1. Playboy Enterprises, Inc. v. Webworld, Inc. available at: http://www.leagle.com/decision/19971534991FSupp543_11481.xml/PLAYBOY%20ENTERPRISES,%20INC.%20v.%20WEBBWorld,%20INC. (Last visited on: 2015/05/19) & 2. Playboy Enterprises, Inc. v. Frena available at: http://itlaw.wikia.com/wiki/Playboy_v._Frena (Last visited on: 2015/05/19)
- ۱۹ Ticketmaster Corp. v. Microsoft Corp., For more information see:
<http://docs.law.gwu.edu/facweb/claw/Tickm%27v%27Msft.htm> (Last visited on: 2015/05/19)
- ۲۰ Ticketmaster Corp. v. Tickets.com, Inc., For more information see:
http://www.internetlibrary.com/cases/lib_case25.cfm
۲۱. Svensson and Others v Retriever Sverige AB (C466/12) 13 February 2014; <http://curia.europa.eu/juris/document/document.jsf?docid=147847&doclang=EN>
۲۲. Perfect 10 v. Google

منابع

الف. منابع فارسی

- زرکلام، ستار (۱۳۸۸). *حقوق مالکیت ادبی و هنری*. تهران: انتشارات سمت.
- صادقی، حسین (۱۳۹۳). «حمایت از حق مؤلف در فضای سایبر در حقوق ملی و اسناد بین‌المللی». *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ش ۶۵. ۶۲-۳۷.

ب. منابع انگلیسی

- Meeker, Heather J. (2010). **Technology Licensing: A Practitioner's Guide**. Section of Science and Technology Law .USA: American Bar Association.
- Arezzo, Emanuela. (2014). "Hyperlinks And Making Available Right In The European Union – What Future For The Internet After Svensson?" **IIC 45 (5):** 524–555.
- Beal, Kara. (1998). "The Potential Liability of Linking On The Internet: An Examination Of Possible Legal Solutions." **BYU L. Rev.**, 703.
- Bidgoli, H. (2004). **The Internet Encyclopedia**. USA: John Wiley & Sons.
- Bond, Nicole M. (1998). "Linking and Framing On the Internet: Liability under Trademark and Copyright Law." **DePaul Bus. LJ** 11: 185.
- DAS, J. K. (2015). **Law of Copyright**. PHI Learning.
- Evening, Martin. (2015). **Photographers at Work: Essential Business and Production Skills for Photographers in Editorial, Design, and Advertising**. Pearson Education.
- Ezor, Jonathan, (Accessed 17 Nov. 2015). "OPINION: Avoiding Trademark, Copyright Infringement." **AdvertisingAge**. <http://adage.com/article/news/opinion-avoiding-trademark-copyright-infringement/269/>.
- Fischer, Mark A, E. Gabriel Perle and John Taylor Williams. (2015). **Perle, Williams & Fischer On Publishing Law**. New York: Wolters Kluwer Law & Business.
- Gasaway, Laura N. (2013). **Copyright Questions and Answers**

- for Information Professionals: From the Columns of Against the Grain.** Purdue University Press.
- Gerber, D. A. and Practising Law Institute. (1998). **Advanced Issues in Copyright Law.** Practising Law Institute.
- Jackson, Matt. (1996). "Linking Copyright to Homepages." **Fed. Comm. LJ 49:** 731.
- Jakobsen, S. S. and S. Schaumburg-Müller. (2011). **Media Law In Denmark.** Kluwer Law International.
- Kienle, Holger, Daniel German, Scott Tilley and Hausi Muller. (2008). "Managing Legal Risks Associated With Intellectual Property On The Web." **International Journal of Business Information Systems 3 (1):** 86–106.
- Lake, Susan and Karen Bean May. (2007). **the Business of Technology: Digital Multimedia.** Cengage Learning.
- Lipton, J. (2015). **Rethinking Cyberlaw: A New Vision for Internet Law.** Edward Elgar Publishing Incorporated.
- Madoff, Emily. (1997). "Freedom to Link under Attack: Web Community Up In Arms over Lawsuits." **New York Law Journal, March.**
- Maniōtēs, D. N. (2011). **Cyber Law in Greece.** Kluwer Law International.
- Millstein, Julian S., Jeffrey D. Neuburger and Jeffrey P. Weingart. (2014). **Doing Business on the Internet: Forms and Analysis.** Law Journal Press.
- Norwitz, Trevor S., Mark L. Reinstra and Faiza J. Saeed. (2001). **Counseling Clients in the New Economy: Opportunities for the Emerging and Established Company.** Practising Law Institute.
- Permohammed, S. (2012). **Protecting Brands Online.** Thomson Reuters.
- Raysman, Richard and Peter Brown. (1997). "Dangerous Liaisons: The Legal Risks Of Linking Web Sites." **NYLJ 217:** 66.
- Roarty, Allison. (1999). "Link Liability: The Argument for Inline Links and Frames as Infringements of the Copyright Display Right." **Fordham L. Rev. 68:** 1011.
- Ross, Terence P. (2000). **Intellectual Property Law: Damages**

- and Remedies.** Law Journal Press.
- Rowland, D. and E. Macdonald. (2005). **Information Technology Law.** Cavendish.
- Sableman, Mark. (1997). “Business on the Internet, Part II: Liability Issues.” **JOURNAL OF MISSOURI BAR** 53: 223–231.
- Schwabach, Aaron. (2014). **Internet and the Law: Technology, Society, and Compromises.** Abc-clio.
- Singh, M. P. (2004). **The Practical Handbook of Internet Computing.** CRC Press.
- Singh, Yatindra. (2010). **Cyber Laws: A Guide to Cyber Laws, Information Technology, Computer Software, Intellectual Property Rights, E-Commerce, Taxation, Privacy, Etc. Along With Policies, Guidelines and Agreements.** Universal Law Publishing.
- Smith, G. J. H. and R. Boardman. (2007). **Internet Law and Regulation.** Sweet & Maxwell.
- Smith, Graham, Phil Sherrell and Will Smith. (Accessed 17 Nov. 2015). “CJEU Decision In Svensson – Hyperlinks to Freely Available Content Are Permitted.” **Bird & Bird.** <http://www.twobirds.com/en/news/articles/2014/global/cjeu-decision-in-svensson-hyperlinks-to-freely-available-content>.
- Sople, v. V. (2012). **Managing intellectual property: the strategic imperative.** Phi learning.
- Spindler, G. and F. Börner. (2013). **E-Commerce Law in Europe and the USA.** Springer Berlin Heidelberg.
- Spink, A. and M. Zimmer. (2008). **Web Search: Multidisciplinary Perspectives.** Springer Berlin Heidelberg.
- Stamatoudi, Irini A., ed. (2010). **Copyright Enforcement and the Internet. Information Law Series 21.** Alphen aan den Rijn: Kluwer Law International.
- Stim, Richard. (2013). **Getting Permission: How to License & Clear Copyrighted Materials Online & Off.** Nolo.
- Trout, B. J. and K. Torke. (2007). **Cyber Law: A Legal Arsenal for Online Business.** World Audience.

- Walden, I. and J. Hörnle. (2001). **E-Commerce Law and Practice in Europe**. Elsevier Science.
- Wassom, Brian D. (1998). “Copyright Implications of ‘Unconventional Linking’ On the World Wide Web: Framing, Deep Linking and Inlining.” **Case W. Res. 49**: 181–869.
- Weakley, S. L. (2015). **Financing and Protecting California Businesses**. Continuing Education of the Bar-California.
- Weston, N. D. (2015). **Trap Hippie’s Understanding Copyrights and Trademarks for Entertainers**. Trap Hippie.